

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شرح خطبه زینب کبری سلام الله علیها در کوفه (۵)

پنج شنبه ۲۳ - ۰۲ - ۱۴۳۰؛ ۰۱ - ۱۲ - ۱۳۸۷؛ ۱۹ - ۰۲ - ۲۰۰۹

I. ادامه شرح خطبه حضرت زینب کبری، سلام الله علیها، در کوفه

1. أَفَعَجِبْتُمْ أَنْ تُطْرَ السَّمَاءُ دَمًا: آیا شگفت زده شدید از اینکه آسمان خون ببارد؟! در مقاتل در ارتباط با شهادت امام حسین، علیه

السلام، توضیحاتی آورده شده است، از جمله آنکه ابن شهر آشوب از امام جعفر صادق روایت کرده است که فرمود تعداد ۳۳ زخم نیزه، و ۳۴ ضربه بر بدن امام حسین، علیه السلام، یافت شد ... تیرهایی که به زره امام حسین فرو رفته بودند نظیر خارهایی بود که در پوست خاریشت وجود دارد! روایت شده: کلیه آن ضربه‌ها بر جلو بدن امام حسین وارد شده بود. (زیرا امام علیه السلام نظیر پدرش حضرت امیر هرگز پشت به دشمن نمی‌کرد و فراری نمی‌شد) امام علیه السلام ساعتی توقف کرد تا استراحت نماید، زیرا از جهاد ضعیف شده بود. در آن هنگامی که ایستاده بود ناگاه سنگی آمد و بر پیشانی مبارکش اصابت کرد.

وقتی خواست خونهای صورت مبارک خود را با گوشه لباس بگیرد ناگاه تیری که تیز و مسموم و سه شاخه بود آمد و بر سینه او نشست، و به روایتی بر قلب آن حضرت فرو رفت! و گفت: بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله.

سپس، سر سوی آسمان بلند کرد و گفت: ای خدای من! تو میدانی این مردم شخصی را می‌کشند که روی زمین پسر پیغمبری غیر از او وجود ندارد. آنگاه، آن تیر را از پشت مبارک خود خارج نمود و خون مانند ناودان برجست. پس، دست بر آن زخم گذاشت، چون پر می‌شد، سوی آسمان پاشید، و قطره‌ای از آن برنگشت! سرخی در آسمان دیده نشده بود تا آن گاه که حسین، علیه السلام، آن خون را سوی آسمان پاشید. سپس، بار دوم دست بر آن گذاشت، و روی و محاسن را بدان آغشته کرد، و فرمود جدّ خود را چنین خضاب شده دیدار کنم و گویم که یا رسول الله! فلان و فلان مرا کشتند.

مرحوم آیه الله میرزا ابوالحسن شعرانی، رحمة الله علیه، ذیل این مطلب، در ترجمه نفس المهموم، راجع به سرخی آسمان آن گاه که امام حسین، علیه السلام، خون خود را به آسمان پاشید، چنین می‌گوید:

مترجم گوید مراد از سرخی آسمان، سرخی غیر شفق مشرق و مغرب است، و به روایت کامل ابن اثیر در آن وقت سرخی‌ای زاید بر عادت در آسمان پدید آمد، چند ماه بود، و زایل شد، و این سرخی شفق که اکنون هست از پیش، در آسمان بود و حضرت پیغمبر آن را علامت نماز مغرب قرار داد.

2. وَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَى وَ هُمْ لَا يُنْصَرُونَ: و قطعاً، عذاب آخرت رسواکننده‌تر است و آنان یاری نخواهند شد. آنچه در ظاهر

آسمان دنیا دیدید، نشانه خشم خدا بر شما در همین دنیا بود، که به‌زودی عذاب خود را در هم اینجا به شما خواهد چشاند، و از لذت‌های دنیوی که برای آن چنین جنایتی را مرتکب شدید، محرومتان خواهد ساخت، جامهٔ درماندگی، و خواری، و رنج و بلاء را بر شما خواهد پوشاند، لیکن بدانید که عذاب آخرت رسواکننده‌تر و دردناک‌تر است.

با اشاره به آیه کریمه سوره مبارکه فصلت که سرنوشت شوم قوم عاد را در دنیا آخرت خاطر نشان ساخت، تشبیه فرمود آنها را به قوم عاد. خدای تعالی، در باره قوم عاد، می‌فرماید، "فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ لِّنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخُرِّي فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَى وَ هُمْ لَا يُنْصَرُونَ (۴۱:۱۶ فصلت) (پس بر آنان تنبدایی توفنده در روزهایی شوم فرستادیم تا در

زندگی دنیا عذاب رسوایی را بدانان بچشانیم و قطعاً عذاب آخرت رسواکننده‌تر است و آنان یاری نخواهند شد) گفته‌اند از کلمه "صرصر"، از "صریر" است، و آن آواز باد باشد. رود خروشان را هم صرصر می‌گویند به خاطر آنکه آواز آب آن ترسناک است. باد "صرصر" را، در اینجا، به باد سخت و سمی، و یا باد بسیار سرد، و نیز باد پر سر و صدا تفسیر کرده‌اند، مستلزم سخت وزیدن نیز و قهرآمیز بودن است؛ و کلمه "نَحْسَاتٍ" صفت مشبیه از ماده "نحس" است، که ضد "سعد" است، و "ایام نَحْسَاتٍ" یعنی ایام شوم.

در هر صورت، با اشاره به این آیه کریمه، خبر داد آنها را به فرود آمدن قهر خدا بر اثر آنها در دنیا، و عذابی دردناک‌تر و رسواکننده‌تر در آخرت به مجازات کشتن امام حسین، علیه السلام. هم چنین، با تعبیر "وَ هُمْ لَا يُنْصَرُونَ" (و آنها یاری نشوند)، خبر داد آنها را که در آخرت هیچ شفيعی نخواهند داشت تا شفاعت کند ایشان را، چرا فرزند محبوب کسی را کشتند، که شفيع همه شفیعیان و مردم است.

3. اشاره: قبل از آن به خون باریدن آسمان اشاره فرمود، آنگاه به آیه‌ای که در مورد قوم عاد بود، و در این کمال علم سخنوری زینب کبری، سلام الله علیها، مشهود است، چه قوم عاد نیز ابتداء باد عذاب را به صورت، ابری باران‌زا دیدند، و خیال کردند ابری است که برای باریدن به‌سویشان می‌آید. لذا به یکدیگر بشارت و مزده داده و می‌گفتند، "عَارِضٌ مُّطَرًّا" (۴۶:۲۴ الاحقاف) (ابری است که ما را سیراب خواهد کرد) ولی اشتباه کرده بودند بلکه این همان عذابی بود که در

آمدنش شتاب می‌کردند، بادی بود که عذابی الیم با خود می‌آورد عذابی که به امر پروردگارش هر چیزی را نابود می‌ساخت و آن چنان نابود می‌ساخت که کمترین اثری از خانه‌های آنان باقی نگذاشت، در نتیجه خدای تعالی تا آخرین نفر آن قوم را هلاک کرد و به رحمت‌خود هود و مؤمنین به وی را نجات داد.

4. فَلَا يَسْتَجِئُكُمُ الْمَهَلُ فَإِنَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يَخْفِزُهُ الْبِدَارُ وَلَا يُخْشَى عَلَيْهِ قُوَّةُ النَّارِ: پس، مهلت شما سبکسر نسازد، که پیشی گرفتن خدا

را تحریک نمی‌کند، و بر او، بیمی نمی‌رود از فوت انتقام. "بدار" پیش دستی است، "حفز" تحریک کردن. چون به الهام خدای تعالی، از سرنوشت شوم کشتندگان امام حسین، علیه السلام، در دنیا و آخرت عالم بود، و یقین داشت به وقوع آن، مانند انبیایی که با قاطیعت از آمدن قهر خدا خبر می‌دادند، به آنان، فرمود، "فَلَا يَسْتَجِئُكُمُ الْمَهَلُ" (پس، مهلت شما را سبکسر نسازد) که عذابی در کار نیست، و هال خود رها شده‌اید، زیرا خدای عزَّ و جَلَّ، چنان است که نگران نباشد از پیش دستی دیگران، تحریک نمی‌شود به تعجیل در عذاب. او هرچه خواهد و هر گونه که خواهد شود، و بیمی از آنکه فرصت انتقام از دست رود ندارد. پس، این اندک مهلتی که به شما داده است خود مکرری است از سوی او با شما برای هرچه بیشتر عذاب کردن شما، چه او می‌فرماید "وَلَا يَخْشَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَمَّا تُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا تُمْلِي لَهُمْ لِيُزَادُوا إِيَّائًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ" (آل عمران ۲: ۱۷۸) (و البته نباید کسانی که کافر شده‌اند تصور کنند اینکه به ایشان مهلت می‌دهیم برای آنان نیکوست ما فقط به ایشان مهلت می‌دهیم تا بر گناه [خود] بیفزایند، و [آن گاه] عذابی خفت‌آور خواهند داشت).

پس، مبدا که خود را فریب دهید و خوشحال باشید که حسین، علیه السلام، را کشتید، و هیچ بلایی بر شما فرود نیامد، این املاء و مهلت خداست با استدراج و تاخیر، می‌برد شما را سوی عذاب الیم بدون آنکه بفهمید، "وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ" (الأعراف ۷: ۱۸۲) (و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، به تدریج، از جایی که نمی‌دانند گریبانشان را خواهیم گرفت)

5. مهلت دادن جنایتکاران مکر خداست با آنها: عقلیه بنی هاشم، زینب کبری، علیها السلام، در کلام خود، سنتی از سنن الهی را یادآور اهل کوفه و همگان شد، و خاطر نشان ساخت که مهلت دادن خدای تعالی به کسانی که به او و اولیاء او دشمنی می‌کنند، از باب مکر خدای تعالی است با آنها. علاوه بر آنچه در باب سنت املاء، و استدراج گفته شده است، کید و مکر خدا نیز با این جنایتکاران عظیم باشد، و فرمود، "إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا وَأَكِيدُ كَيْدًا فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَهْمَلُهُمْ رُؤُودًا" (۱۷-۱۵: ۸۶ الطارق) (آنان دست به نیرنگ می‌زنند و [من نیز] دست به نیرنگ می‌زنم، پس کافران را مهلت ده و کمی آنان را به حال خود واگذار).

در تفسیر این آیات، گفته شده است: یعنی مکر می‌کنند درشان رسول و حق قرآن "کیداً" نیرنگی سترگ تا آنجا که در قدر نشان بوده است. "واکید کیدا" و من نیز در مقابل کید آنها کیدی متین می‌ورزم که قادر به رد آن نباشند. کید بنده کجا و کید خدای قادر متعالی؟! "فمهل الكافرين" پس امهال نما و مهلت ده کافران را یعنی مشغول نشو به مقابله به مثل و انتقام گرفتن از آنها و نفرین و تعجیل نکن به هلاکت ایشان تا من استدراج ورزم با آنان، و مال و اولاد بیشتری دهم آنها را و بر دلبایشان مهر زنم، و گمراهشان کنم، و بر گوش و چشمشان پرده افکنم. آری من این چنین حیل می‌کنم تا در آخر به سوی عذاب روز قیامتش بکشانم. "رویدا" به معنای اندک است، یعنی این مهلت و بهره‌وری از امور دنیایی در مقابل حیات اخروی بسیار اندک است و اینکه آنها این معنا را درک نمی‌کنند خود نیز از مکر من است با آنها. خدای تعالی رسول خود، صلی الله علیه و آله و سلم، را فرمود که وعده عذاب من حق است، پس کسانی که یقین ندارند به وعده عذاب من، تو را سبکسر نسازند، "فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُؤْفِقُونَ" (۳۰: ۶۰ الزوم) (پس تو صبر کن که وعده خدا درست است، و آن کسان که یقین ندارند، تو را به سبک سری و ندارند)

6. كَلَّا إِنَّ رَبَّكَ لَنَا وَ هُمْ لِأَلْمِزَادِ: هرگز، پروردگار تو بر کمینگاه است برای ما و برای آنها. هرگز چنین نیست که خدای تعالی، تحریک شود با پیش دستی، و بیمناک باشد بر از دست شدن فرصت خونخواهی، و عذاب جنایتکاران و ستمگرانی که حسین، علیه السلام، را کشتند، فراموش کند، پروردگار تو، در کمینگاه است برای ما و برای آنها، هر یک را می‌پاید تا چه می‌کنند، آنگاه در فرصتی که خود برمی‌گزیند، بر سر آنها فرود می‌آید، و جزای هریک را چنانچه سزاوار آن هستند، می‌دهد.

در بعضی نسخ این جمله بدین صورت است، "وَ إِنَّ رَبَّكُمْ لِأَلْمِزَادِ". در هر صورت، اشاره است به قول خدای تعالی در سوره مبارکه فجر، "إِنَّ رَبَّكَ لِأَلْمِزَادِ" (۸۹: ۱۴ الفجر) (به درستی که پروردگار تو بر کمینگاه است)، این قول خدای تعالی است بعد از آنکه سرنوشت شوم قوم عاد و ثمود و فرعون را در نتیجه عذاب خدای سبحان بیان کرد. زینب کبری، سلام الله علیها نیز آن را بعد از آنکه کشتندگان امام حسین، علیه السلام، تشبیه فرمود به عاد، گفت.

خدای تعالی فرمود، "فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ إِنَّ رَبَّكَ لَبَالْمُرْصَادِ" (ریخت بر آنها پروردگار تو تازیانه های عذاب ر، به درستی که پروردگار تو بر کمینگاه است)

در تفسیر این آیات گفته اند: "صب" در مورد آب، به معنای ریختن آن است، و اما در مورد شلاق عذاب، کنایه است از عذاب پشت سر هم و شدید. نکره آوردن کلمه "عذاب" به منظور بزرگ جلوه دادن آن است. گفته اند که چون عرب ضرب تازیانه را سخت ترین عذابها می دانستند. هرگونه از عذاب را نیز سوط می گفتند حق سبحانه به قانون کلام ایشان عذاب های خود را سوط گفت. و معنای آیه این است که: پروردگار تو به خاطر طغیان و گسترش دادن فساد، عذاب شدیدی بر این طاغیان نازل کرد، عذابی پشت سر هم و غیر قابل وصف. کلمه "مرصاد" به معنای آن محلی است که در آنجا به کمین بنشینند و منتظر رسیدن شکار و یا دشمن باشند، و بر مرصاد بودن خدای تعالی با اینکه او منزّه است از نشستن در مکان، کنایه ای است تمثیلی، که می خواهد بفهماند خدای تعالی مراقب اعمال بندگانش است، همانطور که انسان در کمین نشسته مراقب حرکات و سکنات دشمن خویش است، و منتظر است تا او را دستگیر کند و یا به قتل برساند، و خود او هیچ خبر ندارد از اینکه دشمنش در صدد دستگیری و یا کشتن او است، خدای سبحان هم مراقب اعمال بندگان خویش است، همینکه طغیان کردند و فساد را گسترش دادند ایشان را به شدیدترین وجهی عذاب می کند.

علت فرود آمدن تازیانه های عذاب بر قوم های عاد و ثمود و فرعون را بیان می فرماید، و آن بدان خاطر بود که پروردگار تو همواره در کمین گاه است و لحظه ای از مراقبت بندگانش غفلت نمی ورزد. تعبیر "ربک". اولاً، می رساند که این مراقبت های از شئون ربوبیت است، علت عذاب کردن طاغیان و فساد انگیزان امت های گذشته را بیان می کند و می فهماند که اگر آنان را عذاب کرد به خاطر این است که او رب است، و سنت او بر همین معنا جاری است. ثانیاً، کلمه "رب" را به کاف خطاب اضافه نمود، و فرمود پروردگار تو ایشان را عذاب کرد تا بفهماند که عذابش منحصر در امت های گذشته نیست، بلکه در امت تو نیز جریان دارد. در امت حضرت محمد (ص) هم باید از عذاب خود خود را ایمن دانند. "رصد" کردن دیدبانی و مراقبت دقیق است و بر مرصاد بودن خدای تعالی باید که مراقبت بنده از احوال و اعمال خود را نتیجه دهد زیرا هیچ چیزی از خدایی که بر مرصاد است فوت نمی شود و او همه اعمال و احوال ما حفظ می کند. نکته دیگری که از این آیه برداشت شده است این است که مصیر عباد جز بر خدا نیست؛ و از هر طریقی که عبور کنند مسلط بر آن طریق خداست، پس، باید بدانند که پایان کارشان با کیست. او همه را می بیند و همه چیز را می شنود و بر او هیچ چیز پوشیده نیست. و نیز گفته اند: "إِنَّ رَبَّكَ لَبَالْمُرْصَادِ" یعنی مطلع است بر اسرار عباد، عالم است به کسی که به سوی او می آید و کسی از او روی بر می گرداند، سپس خبر می دهد آنها را به جمال و جلال خویش. [آن کس که می آید را با جمال خویش بدو نشان می دهد، و به آن کس می رود با جلال خویش روی می آورد.]

7. توضیحی راجع به مرصاد: گفته اند که گذرگاه همه بر مرصاد طبیعت است و خدا و ملائکه او در آن ورطه همه را می آرمانند تا استعدادات خویش را آشکار سازند. خدا از فقر و غنا و گشایش و تنگنا به عنوان امتحان یاد فرمود و قول آنها را که اینها را نشانه کرامت و یا خواری خویش می دانستند رد فرمود. در سوره مبارکه انبیاء نیز فرمود، كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبَلُّوْكُمْ بِالْشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ (۲۱:۳۵) (هر نفسی چشنده مرگ است و شما را از راه آزمایش به شرّ و خیر می آزمایشیم، و به سوی ما بازگردانیده می شوید!) در این ارتباط ابیات زیر از مولانا بسیار مناسب مقام است:

8. نقل چند حدیث: از رسول خدا، صلی الله علیه و آله و سلم، خدا، عزّ و جلّ، سه حرمت دارد، کسی که حفظ کند آنها را، خدا حفظ کند دین و دنیای او را، و کسی که حفظ نکند آنها را، خدا حفظ نکند برایش دنیا و آخرتش را. گفته شد آنها چیستند؟ گفت حرمت اسلام، و حرمت من، و حرمت خویشاںم را.

ترمذی و حاکم از ابن عباس نقل کرده اند که نبی، صلی الله علیه و سلم، گفت، "دوست داشته باشید خدا به خاطر آنچه روزی می دهد شما از نعمت، و دوست داشته باشید مرا به خاطر دوست خدا، و دوست داشته باشید اهل بیت مرا به خاطر حبّ من". و دیلمی نقل کرده است که رسول الله، صلی الله علیه و سلم، فرمود، "أدب کنید اولادتان را بر سه خصلت، حبّ نبی اتان، و حبّ اهل بیتش، و بر قرائت قرآن".

9. ذکر رویایی: حقی در تفسیر خود آورده است که نبی، صلی الله علیه و سلم، را بعضی از صالحین در خواب دید، و گفت یا رسول الله پدر و مادرم فدای تو باد، می بینی فتنه های امت را؟ فرمود، خدا بیافزایدشان فتنه، حسین را کشتند و پاس نداشتند مرا، و رعایت نکردند حقّ من را در او.